

# تاملی بر خصوصی سازی مراکز باسازی

تهیه و تدوین: مهندس مهران حیدری

## چکیده

در این مقاله طرح خصوصی سازی مراکز باسازی آماد و پشتیبانی سپاه، مورد نقد و بررسی ساختاری قرار گرفته است. مبنای نقد حاضر، بر طرح پرسشی بنیادین و ساده قرار دارد و آن اینکه «آیا علم اقتصاد و دانش‌های مربوط بدان تا چه پایه می‌توانند ما را در افزایش بهره‌وری و آن هم به روش خصوصی سازی یاری رسانند؟» به نظر نگارنده، بدون دگرگونی در شیوه مالکیت می‌توان با بکارگیری سطح عمیق‌تری از شیوه‌های مدیریت، هزینه‌های سربار مراکز باسازی را کنترل و راندمان را افزایش داد.

## ۱- مقدمه

کشورها بسیاری از کشورهای در حال توسعه امروزی نیز قرار دارند. کمتر به این نکته توجه شده است که کشورهایی در گذشته دور (مانند کشورهای اروپای غربی) و سالهای اخیر (مانند کشورهای خاور دور) به پیشرفت اقتصادی نایل آمده‌اند که در آنها ابتدا زمینه فعالیت و خلاقیت عمومی مردم ایجاد شده و در راستای این فعالیتها امکانات زیربنایی توسعه یافته است. در مورد کشور ما، نیز ایجاد زمینه‌های مناسب فعالیت اقتصادی و تولید و سرمایه‌گذاری عمومی نیازمند زمینه‌سازی‌هایی بوده است که طی دهه‌های متمادی مورد کم توجهی واقع شده‌اند. بنا به دیدگاه و خط‌مشی مذکور مؤسسات دولتی در عرصه اقتصادی شکست خورده و علت شکست هم فقط مالکیت دولتی است. در قانون مذکور تعریف دقیقی از خصوصی سازی بعمل نیامده و ساز و کار اجرایی آن مورد تأمل قرار نگرفته است. خصوصی سازی به عنوان یک سیاست اقتصادی بر این فرض استوار است که کارآیی مالکیت و مدیریت خصوصی از نقطه نظر تخصیص بهینه‌تر منابع بیشتر از بخش عمومی است.

البته الزاماً یک رابطه سیستماتیک بین مالکیت خصوصی و ثمر بخش بودن اقتصادی واحد خصوصی شده وجود ندارد. مساله مهم این بود که بخش خصوصی ایران با توجه به نواقصی که داشت به عنوان تنها چاره

مدتی است که طرح خصوصی سازی مراکز باسازی در دستور کار قرار گرفته و امکان تسری آن به پاره ای مراکز تعمیراتی دیگر وجود دارد. در این زمینه با دو مقوله کارشناسی ذیل روبرو هستیم که ضرورت دارد به بررسی آن بپردازیم:

الف: تأملی نظری در مفهوم خصوصی سازی و کارآمدی در افزایش بهره‌وری و بازدهی.

ب: موانع و ملاحظات تحول مجتمع صنعتی از مالکیت دولتی به مالکیت خصوصی

## ۲- ضعف ساختاری نظریه خصوصی سازی

به نظر می‌رسد طراحان اندیشه خصوصی سازی مراکز باسازی ایده و نظریه خود را از روند خصوصی گرایی کنونی در ارکان اقتصادی دولتی به دست آورده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش خصوصی به عنوان یکی از بخشهای اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران، پیش‌بینی شده است، اما به طور صریح طی خط‌مشی‌های اساسی برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به آن پرداخته شده است، در آنجا آمده است؛ «نمونه کشورهایی که روشهایی از قبیل انجام پروژه‌های عظیم و گسترش بخش دولتی را پیگیری نموده‌اند نمونه‌های مسلم در امر پیشرفت اقتصادی هستند. در زمره این

پس از شکست در سیاستهای دولتی نمودن اقتصاد مطرح گردید.

در پس طرح خصوصی سازی مراکز بازسازی نیز اندیشه‌ها و الزاماتی همچون کاهش هزینه‌های سربار، رهایی از بارگذاری اداری و در نهایت توانمندسازی مراکز بازسازی و افزایش بهره‌وری قرار گرفته که به صوابند نه به خطا. می‌توان در لابلای گزاره‌ای چون «خصوصی سازی در جهان پیشرفته شده است» جهانی از مفاهیم پذیرفته شده پیشین یا قضایای ترکیبی از نوع مؤخر بر تجربه یافت که محل تأمل و تفکر بسیار است. گزاره فوق مؤخر بر تجربه است، چه به هیچوجه از تحلیل نظری «خصوصی سازی سیستمهای اقتصادی» مفهوم موفقیت از چنین راهی استخراج نمی‌گردد. این مقاله در مقام رد و انکار خصوصی سازی نیست، بلکه به نقد استدلال‌های ساده‌ای چون این گزاره می‌پردازد که «خصوصی سازی در پاره‌ای کشورها جواب داده است، پس می‌توان با موفقیت ولو نسبی در اینجا، آن را پیاده کرد».

دیگر اینکه در حوزه علم اقتصاد، قطعیتی همچون حوزه علم ریاضیات وجود ندارد و نسبی‌گرایی بر اساس تحلیل شرایط اقتصادی - سیاسی و علم اقتصاد (تحلیل همزمان) به شدت رواج دارد. آنچه که از دوره کتاب ثروت ملل آدام اسمیت تا نظریات نئوکلاسیک‌ها در دوره کنونی نوشته و مورد مذاقه قرار گرفته، مدلهایی گفتاری، روایی و آماری بر اساس آمار و اطلاعات در دسترس در یک دوره خاص اقتصادی است. مقایسه کتاب ثروت ملل آدام اسمیت به سال ۱۷۷۰ میلادی و توجه به رشد بازرگانی انگلستان در آن دوره و یکه‌تاز بودن آن با کتاب نظام ملی اقتصاد سیاسی فردریک لست آلمانی به سال ۱۸۴۴ بر اساس بررسی انقلاب صنعتی بریتانیا و عقب افتادگی و چند پارگی کشور آلمان مثالی جالب در دسترسی به این ادعا است.

ساختار دانش اقتصادی «فرآیند خصوصی سازی» از

دو جنبه دیگر نیز نارسایی ذاتی دارد. اول اینکه هر تئوری خصوصی سازی و یا مدل‌های توسعه اقتصادی، نگاه به گذشته دارد و این عمل، عامل استقرار، استخراج انتزاعی یک الگوی عام از رویه‌ها و مشاهدات خاص و طرح ادعای تکرارپذیر بودن آنها، صحنه را برای ورود ریاضیات به عرصه علوم انسانی به‌خصوص اندیشه اقتصادی باز می‌کند و اقتصاد ریاضی به‌دلیل قدرت منطقی در بیان، عرصه را بر تحلیل روایی اقتصاد تنگ کرده و نظریات اقتصادی را به‌خصوص از نیمه دوم قرن بیستم به این طرف در دام معاملات چند متغیره سنگین و پیچیده گرفتار ساخته است. جالب اینکه نظریات اقتصاددانان کلاسیک از آدام اسمیت و ریکاردو تا جان مینارکینز، هیچکدام در قالب ریاضیات بیان نگردیده‌اند. دومین عامل نارسایی، اینکه نظریه خصوصی سازی قابل برداشت و الگوبرداری از سایر مناطق جهان نیست، و دستاوردهای آن بسته به شرایط ملی، آداب و رسوم فرهنگی و پایه‌های اقتصادی و اقتصاد سیاسی کشور و وضعیت اقتصاد منطقه‌ای - جهانی بسیار دگرگون می‌شود و در مقابل این همه پارامترهای متغیر، دانش اقتصادی ما بسیار اندک است. اکنون در نظام دانشگاهی کشور در مقطع کارشناسی اقتصاد، با وجود ۱۴۰ واحد درسی و حدود ۵۰ درس فقط یک درس سه واحدی اقتصاد ایران و یک درس دو واحدی جغرافیای اقتصادی ایران گذرانده می‌شود. بنا به نظر دکتر رزاقی از اساتید صاحب نام رشته اقتصاد اکثریت اعضای هیات‌های علمی رشته اقتصاد به دلیل برخورداری اندک از آموزش مناسب چه در خارج و چه در داخل و عدم اعتقاد به اهمیت حیاتی شناخت اقتصاد ایران، حتی از انطباق دادن نظریه‌هایی که درس می‌دهند با شرایط ایران پرهیز می‌کنند و در درسهایشان از مثالهایی استفاده می‌کنند که مربوط به ایران نیست.

به این نکته بایستی توجه داشت که استفاده مثالی از مصادیق و پدیده‌های اقتصادی در جوامع متفاوت با

کشور ما، بدون توجه به مبانی و ملاحظات آن در دراز مدت عواقب زیانباری خواهد داشت. به عنوان نمونه می‌توان، به قانون اختیارات دفاعی سال ۱۹۹۸ میلادی کنگره آمریکا اشاره کرد که طبق آن، به وزارت دفاع آن کشور امکان داد بیش از ۵۰ درصد بودجه‌های نگهداری و تعمیرات (نت) را با بخش خصوصی قرارداد نماید. اما در ورای این خط‌مشی، دو دلیل اساسی نهفته‌اند. اول اینکه فرض بر آن است که در رقابت بین بخش خصوصی و دولتی، بهره‌وری و بازدهی افزایش و هزینه‌ها کاهش یابد و دوم اینکه مقداری ظرفیت خالی تعمیراتی در رده‌های دپویی ارتش آمریکا برای مقابله با وضعیت‌های پیش‌بینی نشده همواره وجود خواهد داشت.

### ۳- تعمق در مسیر تحول و گذار

اقتصاد خصوصی برای ایجاد زمینه مؤثر کاهش هزینه‌ها و زمان ارائه خدمات بهتر به وجود رقابت بین صاحبان و مالکان مختلف نیاز دارد. این بدان مفهوم است که برقراری هر گونه انحصاری اعم از دولتی و یا خصوصی، دستاوردهای روشن و جالبی در بهره‌وری و بازدهی نخواهد داشت. حال با دسته‌ای از پرسش‌ها، گذار از مالکیت دولتی مراکز بازسازی به مالکیت خصوصی را مورد بازبینی و کنکاش قرار می‌دهیم. چگونه اموال و دارایی‌ها بین مؤسسات و نگاههای اقتصادی گوناگون که تا قبل از آن در انحصار دولتی بوده‌اند توزیع می‌گردد؟

آیا افراد داراییهای موجود را اجاره می‌کنند؟ اگر این‌گونه باشد به محاسبات پیچیده‌ای نیاز خواهد بود تا ارزش دفتری و سرمایه‌ای آن داراییها را تعیین و متناسب با نرخ‌های واقعی تورم، بهره و استهلاک، اجاره بهای آن تعیین گردد. آن مؤسسات بایستی دارای سرمایه اولیه بالایی جهت پرداخت هزینه‌های اولیه، دستمزدها و تحمل بارهای وارده تا زمان بازگشت سرمایه‌ها نیز باشند. آیا مدیران جدید می‌توانند سیاست مستقلى در بکارگیری نیروی انسانی در پیش گیرند؟ البته که خیر، زیرا بیشتر افراد شاغل در مراکز تعمیراتی و بازسازی،

استخدام رسمی دولتی بوده و قوانین موجود به راحتی اجازه گردش و تغییر و تحول نیروی انسانی را نمی‌دهد ولی اگر به شکل مناسبی، مدیریت منابع انسانی صورت گیرد، فرض کنید به کارکنان، سهام شرکتی که در آن کار می‌کنند داده شود، تقسیم سهام باید به طور برابر صورت گیرد یا به نسبت میزان مزد کارکنان یا به نسبت متغیر دیگری که بر پایه تخصص و سهم آنها در ارزش فعالیت خواهد بود، این را به یاد داشته باشیم که دانش اقتصاد سرمایه‌داری، سازوکاری تئوریک و منطبق بر تجربه واقعی برای توزیع عادلانه حقوق مالکیت ندارد. یک بنگاه اقتصادی به دلیل ارتباط با محیط اقتصاد ملی و جهانی، در تعامل و کارکرد با بخشهای اقتصادی غیر نظامی خواهان داشتن قراردادهایی با آن خواهد بود، آیا حداقل ظرفیت برای بازسازی تجهیزات نظامی محاسبه و در نظر گرفته شده و اگر چنین است بر اساس چه معیارها و ملاکهایی می‌تواند در شرایط بحرانی امنیتی نیز توانایی ارائه خدمات داشته باشد؟

بهای لازم برای تعمیر و بازسازی یک بلدوزر کوماتسو D-155 چگونه محاسبه و مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت؟ در صورت گران بودن این بها، سازمان آآمد و پشتیبانی چه مجموعه‌ای از تدابیر و سیاستها را پیش‌بینی کرده است؟

توزیع درآمد از یک سو بین بخشهای تعمیر و بازسازی تجهیزات نظامی و بخشهایی که با تجهیزات و وسایل غیر نظامی سر و کار دارند از سوی دیگر (و بالطبع دارای دستمزدهایی بر پایه مقیاسهای بازار هستند)، بر چه اساسی خواهد بود؟ توزیع نیروی انسانی هم از عامل فوق تأثیر پذیر خواهد بود. نیروهای ورودی به سیستم مرکز بازسازی، تمایل خواهند داشت که در بخشهای تجاری (مانند بازسازی ماشین آلات راهسازی) مشغول بکار شوند. در شرایط خصوصی، تکلیف سرمایه‌گذارهای دولتی برای گسترش و توسعه چه خواهد شد و برنامه‌های توسعه ظرفیت و کیفیت توسط سرمایه‌گذاری دولتی تأمین خواهد شد یا خصوصی؟ در نظام مبتنی بر رقابت اقتصادی شیوه‌های تنزل و

ترفع تابعی از موفقیت در دستیابی به اهداف اقتصادی هستند و خبری از ترفیعات اداری نخواهد بود. آیا کارکنانی که در اقتصاد دستوری یا زیر فرمان خوب عمل می‌کردند در اقتصاد خصوصی هم خوب عمل خواهند کرد؟ مدیران اقتصاد دولتی به معنای واقعی اهل کسب و کار نبوده‌اند. به آنها منابع مالی، فیزیکی و برنامه داده می‌شد و دستور می‌گرفتند که چه بکنند و در جداول مالی چه اعداد و ارقامی نرم مصوب را طبق نرم مصوب وارد کنند. توانمندسازی افراد به مهارت‌های اقتصاد خصوصی مستلزم مدیریت هوشمندانه و با صبر و حوصله‌ای است.

#### ۴- خصوصی سازی یا مدیریت بهینه

اگر مدیریت را استفاده بهینه از منابع برای رسیدن به هدفها بدانیم در این صورت می‌توان مشکلات موجود در مراکز بازسازی و تعمیراتی مانند بهره‌وری اندک یا حجم بالای کاغذ بازی و افزایش هزینه‌های سربار و... را نوعی بیماری در ساختار مدیریت فرض کنیم که البته منظور نگارنده متوجه مفهوم مدیریت آنها و نه کارکرد مدیران کنونی است. با این تأمل آنگاه با تحلیل سیستمی عملکرد موجود در شناخت گره‌ها و ضعف‌ها، با طراحی سیستم مطلوب و مناسب و شناخت عمیق خصوصی سازی در سطح کشور و نقش آن در رفع مشکلات گذشته، بهتر می‌توان فرآیند تغییر را به سمت مدیریت بهینه حرکت داد. به عنوان زمینه‌ای جهت بررسی می‌توان دوره کنونی گذار از اقتصاد دولتی به خصوصی را در نمونه‌هایی در کشورهای بلوک شرق و شوروی سابق و همچنین بخشهای اقتصادی مشابه در ایران نیز مورد مطالعه قرار داد و از تجارب آنها درسهای آموخت. رویکرد خصوصی‌گرایی بدون تعمیق نظری و مفهومی آن و شناخت مشکلات آتی و با استفاده از همان کارکرد مدیریت دولتی، غرق شدن در مسایل جاری را به ارمغان می‌آورد. اگر خصوصی سازی منظور فقط تغییر کادر مدیریت باشد؛ تجربه نشان داده است که مدیریت اقتصادی سنتی در ایران بیشتر تکیه بر رانت ارزی

(تفاوت نرخ رسمی و بازار آزاد) معاملاتی جانبی داشته و از کیفیت مدیریت مدرن اقتصادی بی بهره است به خصوص اینکه دوره گذار از اقتصاد متمرکز دولتی به خصوصی خود شرایط خاصی دارد که به مدیریت و دانش گسترده نظری و تجربی نیاز دارد. شاید هم مدل در نظر گرفته شده فقط تغییر در اهرم‌های کنترل و رفع پاره‌ای محدودیتها باشد که اگر چنین است پس چیزی تغییر نکرده و کاربرد واژه خصوصی سازی اصلاً لزومی پیدا نمی‌کند. زیرا اگر منابع همچون سابق به مرکز بازسازی سرازیر شود و نرخ‌ها و هزینه‌ها به همان صورت قبل به صورت توافق در سطح بالای مدیران همچون یک اقتصاد دستوری محاسبه و اعلام شوند و نه بر اساس ملاحظات بازار پس نه تنها خصوصی سازی نکرده‌ایم، بلکه مؤسسه‌ای بزرگ آن هم با ساختار دولتی و تحت مدیریت متمرکز دولتی به وجود آورده‌ایم.

در هرگونه طرحی بایستی سوابق مدیریتی مسئولان و مدیران و میزان آشنایی آنها با اقتصاد صنعتی و مؤلفه‌های آن مورد مذاقه قرار گیرد.

#### ۵- دستمایه مدیران

نظر نگارنده بر آن است که حرکت بنیادین باید رهیافتی راهبردی و بهبود گرایانه داشته باشد. انتخاب استراتژی کاهش از مجموعه استراتژی‌های تدافعی به نظر مناسب می‌رسد. زمانی یک سازمان از استراتژی کاهش استفاده می‌کند که می‌خواهد با گروه‌بندی جدیدی در دارایی‌ها و هزینه‌ها، سیر نزولی درآمد و سود را معکوس نماید. گاهی این پدیده را تغییر جهت یا متحول نمودن استراتژی سازمان می‌نامند. هدف از کاهش این است که سازمان در زمینه تخصصی وضع خود را مستحکم نماید.

امکان دارد شرکت یا مؤسسه به هنگام کاهش مجبور شود برای تهیه پول نقد مورد نیاز بخش‌هایی از زمین یا ساختمان‌های خود را به فروش برساند، برخی از خطوط تولید را کاهش دهد، فعالیت‌های حاشیه‌ای را تعطیل نماید، واحدهای قدیمی و منسوخ را ببندد، از فناوری‌های پیشرفته یا دستگاههای خود کار استفاده کند،

تعداد نیروها را کاهش دهد و سرانجام سیستم‌های کنترل هزینه را به کار گیرد.

این دیدگاه پس از ملاحظه ناکامی‌های شرکت‌ها در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در راستای متنوع ساختن فعالیتها حاصل گردید. در زمان کنونی پدیده تنوع بخشیدن به فعالیتها سیر قهقرایی را می‌پیماید. از این رو بسیاری از شرکت‌ها و موسسات درصدد فروش یا تعطیل کردن واحدها یا بخش‌هایی بر آمده‌اند که سودآوری لازم را ندارند و می‌کوشند بر رشته تخصصی خود تأکید بیشتری نمایند. این دسته سیاستگذاری‌ها و انتخاب راهبرد در سطح مدیران ارشد بوده و پس از انتخاب خط‌مشی مناسب، آنگاه نوبت به مدیران اجرایی (مدیر عامل) مرکز بازسازی می‌رسد. آیا می‌توان فرمول و راهکار ساده‌ای پیشنهاد کرد که با اجرای آن روند بهبود چشمگیر آغاز گردد. پاسخ پرسش فوق در سطح نظری آری و در سطح اجرایی و عملی خیر است. زیرا کارخانه و مرکز صنعتی مهم‌ترین منبع اطلاعاتی درباره امور مربوط به مدیریت است. همان‌گونه که تفاوت چشمگیری بین نظریه جنگ و صحنه واقعی رزم وجود دارد، در عرصه صنعت نیز با چنین شرایطی مواجهیم.

یادگیری دانش مدیریت کارخانه و صنعت شاید نسبتاً آسان ولی ماهیت عملی آن چنین نیست. بهبود بازدهی فقط وقتی امکان‌پذیر است که با کاهش هزینه‌ها توأم باشد. به تعبیر دیگر، ملاک ما برای اتخاذ هر تصمیمی آن است که آیا در آن هزینه‌ها کاهش خواهد یافت یا نه؟ برای دستیابی به این هدف باید فقط فعالیت‌های مورد نیاز و با حداقل نیروی انسانی اجرا شود. بهبود بازدهی و راندمان، به زمان تدریجی نیاز دارد (مثلاً یکساله) اما رشد آن به شیوه آماری کنترل و محسوس می‌گردد.

مدیریت بر اساس دیدگاه برگرفته از سنن کشاورزی و غریزه، ما را بر حفظ ذخایر و محافظها (buffers) شرطی کرده است و وقتی با مشکلی مواجه می‌شویم به جای حل ریشه‌ای و جلوگیری کامل از بروز آنها از محافظین مانند موجودی اضافی، تجهیزات اضافی و نیروی کار اضافی استفاده می‌کنیم و البته اینها سر منشأ

افزایش هزینه‌های سربار و اتلاف می‌گردند. توصیه عملی برای مدیران اجرایی این است که با عشق و علاقه به کار صنعتی، اجازه دهید ایده‌ها و نظرات کارکنان پرورش یافته و به طور شایسته هدایت گردند. با اعمال سیستم‌های کنترل هزینه و کنترل آماری، هزینه‌های سربار و اتلاف را کاهش دهید. هر روز در کارخانه بایستید و آنچه را که اتفاق می‌افتد، از نزدیک مشاهده کنید، به فلسفه یا دانشی بیشتر از آنچه می‌دانید نیازی ندارید، فقط خیره و با چشمان باز و با تمام آگاهی و حواس جمع همچون یک شطرنج باز حرفه‌ای به خطوط و فعالیتها بنگرید. نگارنده ادعا ندارد که چیزی بیش از تالیچی اوهنو (Taiichi ohno) مدیر عامل مشهور تویوتا می‌تواند بگوید: «اگر چشمان خود را باز کنیم و در کارخانه به درستی بنگریم آنگاه خواهیم یافت که به راستی چه اعمالی اتلاف هستند و چه اعمالی اتلاف نیستند و نیز راه‌هایی بیابیم که حرکات را به کار واقعی مبدل می‌سازد»

#### منابع و ماخذ:

- ۱- برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، خط مشی‌های اساسی، کلان و بخشی، سازمان و برنامه بودجه، مهرماه ۱۳۷۱
- ۲- رزاقی، ابراهیم، نقدی بر خصوصی‌سازی ایران؛ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- تارو، لستر، رویارویی بزرگ، ترجمه عزیز کیاوند، انتشارات دیدار، تهران، ۱۳۷۳.
- ۴- کارناپ، رودلف؛ مقدمه‌ای بر فلسفه علم؛ ترجمه یوسف عقیف؛ انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۵- کرد زاده کرمانی، محمد؛ اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- یزدی، مصباح، آموزش فلسفه جلد ۱، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۹.
- 7-[http://www.almc.mil/alog/ganfeboo/ms453.htp.contracting\\_for\\_depot-level\\_maintenance\\_by\\_captain\\_john\\_R.Withers](http://www.almc.mil/alog/ganfeboo/ms453.htp.contracting_for_depot-level_maintenance_by_captain_john_R.Withers)
- ۸- اصلاحات در چین و شوروی؛ مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر؛ تهران، ۱۳۸۰.
- ۹- تالیچی اوهنو؛ سیستم تولید تویوتا، ترجمه کاظم موتاییان، نشر آموزه، اصفهان، ۱۳۸۲
- ۱۰- دیوید، فرد؛ مدیریت استراتژیک؛ ترجمه علی پارسایان و سید محمود اعرابی؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.